

رویکردها و الزامات قانونی و مقرراتی در اجرای سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی

کارگروه تدوین سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی

- اجبار کامل پوشش بیمه‌ای شاغلین و مزدبگیران؛
- شبه اجباری کردن بیمه‌های اجتماعی (مشروط کردن برخورداری از برخی خدمات اجتماعی رایگان به اخذ پوشش)؛
- قراردادن مشوق‌های بیمه‌ای (مشوق مالیاتی برای کارفرما و بیمه‌شده - معافیت حق بیمه از مالیات)؛
- حذف عوامل بازدارنده پوشش (رفع شروط و قیود مربوط به رسمیت کارگاه برای شمول بیمه - رفع شروط غیرضرور برای شروع بیمه‌پردازی به استثنای سن)؛
- تضمین استمرار پوشش (ایجاد امکان تداوم بیمه‌پردازی برای تغییر محل خدمت یا شغل و یا در صورت دارا بودن توان مالی - درآمدهای غیرشغلی)؛
- ایجاد سامانه، پنجره واحد خدمات، پایگاه جامع اطلاعاتی و تخصیص شناسه واحد تأمین اجتماعی ملی به هر فرد؛
- لکه‌گیری و پرکردن خلاها از طریق غربال‌گری اجتماعی، نیازمندیابی فعال، فراخوان گروه‌ها و اقشار هدف و آزمون وسع؛
- تفکیک و تمایز کامل فعالیت‌های امدادی، حمایتی، بیمه‌ای و تقسیم‌کار اصولی و تخصصی‌شدن وظایف و ماموریت‌ها و در عین حال حذف ساختارهای مضاعف و موازی؛
- اعمال و رعایت عدالت در برخورداری از خدمات / در دسترسی به خدمات/ در بهره‌مندی از منابع عمومی حسب مورد براساس نیاز یا میزان مشارکت.

رویکردها و احکام معطوف به قلمرو "جامعیت" خدمات و پوشش‌ها

- سطح‌بندی خدمات و تعیین کف خدمات و پوشش‌ها به‌عنوان پایه که بایستی برای آحاد جامعه تضمین و تأمین شود؛
- بازتعریف بسته خدمات جامع و فراگیر بیمه‌ای/حمایتی و خدمتی بر مبنای نیاز اساسی گروه‌های هدف؛
- توسعه عدالت منطقه‌ای/ قومیتی/ جنسیتی/ صنفی؛
- تفکیک قوانین و مقررات استخدامی از بیمه‌ای؛
- تفکیک نظام جبران خدمت و خدمات رفاهی از خدمات اجتماعی و منع انجام آنها از محل اعتبارات دولتی دستگاه‌ها؛
- تفکیک و تمایز بین خدمات حمایتی و امدادی ناظر به فقر و محرومیت با امتیازات و ترجیحات ناظر به معلولیت و سالمندی؛
- تقدم‌بخشی به پیشگیری و مصون‌سازی؛
- توسعه جامعیت خدمات به تمامی جمعیت تحت پوشش سازمان‌ها و صندوق‌های بیمه‌گر اجتماعی؛
- توسعه دامنه خدمات امداد اجتماعی به آحاد جامعه و تعمیم و تسری کامل چتر خدمات حمایت‌ها و مساعدت‌های اجتماعی به تمامی اقشار و گروه‌های هدف؛
- ترویج سبک زندگی اسلامی-ایرانی و اعمال رویکرد اجتماعی محور مبتنی بر تحکیم نهاد خانواده و تقویت پیمان‌ها، همکاری‌ها و مشارکت‌های جمع؛
- ارائه انواع یارانه‌ها و حمایت‌ها برای رفع انواع فقر متناسب با نیاز و قابلیت‌های افراد (یارانه بیمه‌ای، یارانه معیشتی، یارانه آموزش و...).

رویکردها و احکام معطوف به قلمرو "کفایت" خدمات و پوشش‌ها

- عدالت در دسترسی به خدمات، پوشش‌ها و حمایت‌ها؛

- عدالت در برخورداری از خدمات، پوشش‌ها و حمایت‌ها؛
- عدالت در بهره‌مندی از منابع عمومی؛
- لحاظ مابه‌ازای ریالی خدمات اجتماعی در پرونده تأمین اجتماعی هر فرد؛
- لزوم آزمون وسع / نیازمندیابی فعال / غربال‌گری اجتماعی / فراخوان برای شناسایی اقشار و گروه‌های هدف و سنجش و تقویم نیاز آنها؛
- متناسب‌سازی و متعادل‌سازی سطح خدمات براساس توازن منطقه‌ای و آمایش سرزمین؛

- رفع کامل همپوشانی آن دسته از خدمات و پوشش‌ها که از محل منابع عمومی تأمین می‌شود و اختصاص آن به منابع حاصل از سایر اقشار و گروه‌های هدف؛
- جلب مشارکت افراد ذی‌نفع دارای توان و تمکن مالی در تأمین بخشی از منابع مورد نیاز برای تدارک خدمات و پوشش‌ها؛
- جلب مشارکت‌های مردمی، خیریه‌ها و NGOها؛
- توسعه برنامه‌های مبتنی بر توانمندسازی، کارگستری و ارتقای مهارت برای خوداتکایی اقشار و گروه‌های هدف؛
- رفع همپوشانی، برخورداری مضاعف و من‌غیرحق و سواری رایگان و...؛
- برقراری تعرفه‌ها و عوارض بر فعالیت‌ها و کالاهای آسیب‌رسان به اشتغال، معیشت و کیفیت زندگی مردم.

رویکردها و احکام معطوف به پایدارسازی مالی

- پیاده‌سازی نظام تأمین اجتماعی چندلایه و چندسطحی؛
- اعمال اصلاحات پارامتریک؛
- اعمال اصلاحات فنی و اجرایی؛
- محوریت اکچوئری به‌عنوان تراز تصمیم‌گیری‌های بیمه‌ای؛

- ارتباط هوشمند بین سیستم‌های مالیاتی و بیمه‌ای؛
- ایجاد سازمان رگلاتوری و صندوق تضمین مالی بیمه‌گران اجتماعی؛
- وضع مالیات‌های اجتماعی؛
- اتخاذ راهبردهای اقتصادی و تعامل با دولت جهت پیشگیری / کاهش تدریجی / تسویه تعهدات دولت؛
- اختصاص بخشی از منابع ناشی از بهره‌برداری انفال، خصوصی‌سازی و هدفمندسازی یارانه‌ها به تقویت منابع حوزه رفاه و تأمین اجتماعی؛
- وضع تعرفه‌ها و عوارض جبرانی و ترمیمی برای آن دسته از فعالیت‌هایی که بر اشتغال ملی، سلامت و... تاثیر منفی می‌گذارد و اختصاص منابع حاصل از آن به تقویت حوزه رفاه و تأمین اجتماعی؛
- اعمال محاسبات بیمه‌ای قبل از ادغام هریک از صندوق‌ها و تعیین منابع و مصارف، ذخایر و اندوخته‌ها و تعهدات آتی و تعهد دولت برای تضمین و تأمین آن به صورت تعهدی و بین‌نسلی و تعریف منابع جدید برای سطح پایه خدمات افراد نیازمند جهت تأمین مالی خدمات کف سطح پایه بیمه‌های بازنشستگی (بیمه فراگیر)، کمک به تأمین مالی و خدمات پایه گروه‌ها و اقشار هدف در قالب مالیات‌ها و عوارض و تعرفه‌های اجتماعی برای فعالیت‌ها و کالاهای آسیب‌رسان به کیفیت زندگی مردم (معیشت، سلامت و...).

فهرست اقدامات و مداخلات اصلاحی

- تعریف یک نظام بیمه اجتماعی چندسطحی یا چندرکنی (پایه، مازاد و مکمل) و اعمال تفکیک و تمایز کامل بین سطوح خدمات از نظر منابع و مصارف، شرایط برخورداری و...؛

اعمال اصلاحات سیستماتیک:

- لایه‌بندی (امدادی، حمایتی و بیمه‌ای)؛
- سطح‌بندی (پایه، مازاد و مکمل)؛
- تبدیل سیستم از DB به NDC و سپس DC، به ترتیب در سطوح بالاتر؛
- تعمیم پوشش و فراگیری کامل، شبه اجباری شدن و اجباری شدن بیمه؛
- تعیین سهم شراکت فرد و دولت براساس آزمون وسع و تعیین میزان تضمین دولت.

اعمال اصلاحات پارامتریک:

- افزایش حداقل سن لازم برای بازنشستگی؛
- افزایش حداقل سابقه لازم برای بازنشستگی؛
- تمام شماری / ۵ ساله / ۱۰ ساله دوره محاسبه میانگین مبنای کسر حق بیمه برای برقراری مستمری؛

- مستمری جمع (اطاق پایاپای بیمه‌ای) به جای نقل و انتقال سوابق؛
- متناسب‌سازی مستمری‌های سنواتی به جای یکسان‌سازی؛
- رفع فقر بیمه‌ای، افزایش ضریب نفوذ بیمه، ایجاد زمینه فراگیری کامل پوشش‌های بیمه‌ای سطوح پایه؛

- ایجاد دسترسی عادلانه به خدمت و فراهم‌سازی زمینه بهره‌مندی عادلانه از منابع عمومی و دولتی؛

- ایجاد سامانه، پایگاه اطلاعات و پنجره واحد خدمات رفاه و تأمین اجتماعی؛
- رفع همپوشانی و جلوگیری از برخورداری من غیرحق و مضاعف؛
- لکه‌گیری و پر کردن خalahای پوشش بیمه‌ای؛
- شکل‌دهی پرونده الکترونیک بیمه‌های اجتماعی؛
- ایجاد وحدت‌رویه و یکسان‌سازی فرایندهای ارائه خدمات؛

- اعمال نظارت راهبردی و عالی‌بر رعایت اصول، قواعد و محاسبات بیمه‌ای؛
 - حصول اطمینان از حفظ ثبات و پایداری مالی سازمان‌ها و صندوق‌های بیمه‌گر اجتماعی؛
 - رصد، پایش و پیمایش فعالیت‌های بیمه‌ای، درمانی و سرمایه‌گذاری براساس شاخص‌ها و متغیرهای اثرگذار؛
 - روزآمدسازی و سازگارسازی فعالیت‌ها با شرایط و اقتضات و متغیرهای اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی، محیط کسب‌وکار و...؛
 - اعمال اصلاحات ساختاری (فنی و مهندسی)؛
 - تغییر مربوط به میزان و زمان برخورداری بازماندگان (تعیین سهم‌الشرکه ذی‌نفع از سوی بیمه شده اصلی)؛
 - تجمیع، ادغام، انحلال، فریز (تعليق فعالیت) و... سازمان‌ها و صندوق‌های بیمه‌گر اجتماعی؛
 - اعمال مالیات بر مستمری و حذف مالیات حق بیمه (ایجاد مشوق مالیاتی برای حق بیمه)؛
 - تغییر نحوه اعمال افزایش مبنای کسر حق بیمه ناشی از مدرک تحصیلی، ارتقای سمت و...؛
 - ایجاد امکان لکه‌گیری و ترمیم سوابق (خلا سابقه)؛
 - ایجاد امکان ادامه بیمه اختیاری؛
 - ایجاد امکان اخذ پوشش بیمه‌ای برای همگان.
- در این رویکرد علاوه بر لایه‌بندی و سطح‌بندی خدمات و تعیین کف و سقف خدمات در هر لایه نسبت به اعمال اصلاحات بیمه‌ای (سیستماتیک، پارامتریک و فنی و مهندسی)، برای بیمه شدگان جدید انجام می‌شود اما این اصلاحات برای بیمه شدگان و

مستمری بگیران موجود به صورت تدریجی و با طراحی یک دوره گذار از وضع موجود به وضع مطلوب و تضمین رعایت حقوق قانونی مکتسبه و تقبل بار مالی تصمیمات متخذه خارج از اراده بیمه شده از سوی دولت انجام می‌پذیرد.

شمای کلی مداخلات اصلاحی برای تحقق سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی



الزامات قانونی و مقرراتی

۱- فقدان نظام چندلایه تأمین اجتماعی که منجر به تحمیل سرریزهای حمایتی و سمت‌دهی ریسک‌های گزینشی و انتخابی به سمت سازمان‌ها و صندوق‌های بیمه‌گر اجتماعی می‌شود و نیز فقدان زیرساخت سطح پایه خدمات امدادی و حمایتی و نیز سطح پایه خدمات بیمه‌ای برای آحاد جامعه که منجر به تحمیل هزینه به سازمان تأمین اجتماعی می‌شود.

۲- عدم تفکیک نظامات بازنشستگی (امور اداری، کارگزینی، پرسنلی، نیروی انسانی و...) از بیمه‌های بازنشستگی در حوزه مستخدمین کشوری، لشکری و بخش‌های عمومی و حاکمیتی و عدم ارائه پوشش بیمه بیکاری در سایر صندوق‌های بیمه‌گر اجتماعی و عدم امکان ادامه بیمه به صورت اختیاری در سایر صندوق‌های بیمه‌گر اجتماعی که باعث تحمیل ریسک‌های گزینشی به سازمان‌ها و صندوق‌های بیمه‌گر اجتماعی می‌شود.

۳- ضرورت تأمین منابع مالی پایدار برای بیمه‌های اجتماعی در قالب وضع مالیات اجتماعی به‌ویژه در خصوص فعالیت‌ها و اقداماتی که منجر به کاهش ورودی‌ها و افزایش خروجی‌های سازمان‌ها و صندوق‌های بیمه‌گر اجتماعی می‌شود (به‌طور مثال واردات منجر به کاهش تولید ملی و کاهش اشتغال می‌شود و یا برون‌سپاری و...).

۴- فروش بیمه‌های عمر و سرمایه‌گذاری (بیمه تجاری) به نام بیمه‌های بازنشستگی (بیمه اجتماعی) و خروج فعالیت مزبور از چهارچوب نظام چند لایه تأمین اجتماعی.

۵- عدم امکان پاس‌خگویی متناسب به افرادی که دارای حقوق‌های بالا هستند و مایلند که مستمری آنها نیز در همان سطح تعریف شود (اعمال سقف مبنای کسر حق بیمه). انتقال بین صندوق‌ها شاید برای یک سازمان نامطلوب باشد، ولی در کلیت نظام بیمه‌های اجتماعی اقدامی متناظر با سیالیت نیروی کار و حقوق اجتماعی و فردی است که در اسلایدهای قبلی و در متن سیاست‌های کلی بر آن تأکید شده است.

۶- عدم تعیین و نامشخص بودن تعریف و جایگاه نهادهای عمومی غیردولتی در نظامات اداری، حقوقی و تقنینی و نظارتی ایران به‌ویژه در حوزه شرکت‌ها و موسسات وابسته و تابعه آنها.

۷- تحمیل صندوق‌ها و یا سرریزهای صندوق‌های بیمه‌گر اجتماعی کوچک به سازمان‌ها و صندوق‌های بیمه‌گر اجتماعی بزرگ‌تر پس از بروز بحران در آنها.

۸- تولید روزافزون بدهی‌های دولت به سازمان‌ها و صندوق‌های بیمه‌گر اجتماعی و روند رو به تزاید انباشت بدهی‌های معوقه دولت به بیمه‌گران و عدم بازپرداخت به موقع و مکفی مطالبات بیمه‌ای آنها از طرف دولت.

۹- بازنشستگی‌های زودرس (بازسازی و نوسازی صنایع، سخت و زیان‌آور و...).

۱۰- فقدان رویکرد حرفه‌ای و تخصصی و نیز عدم وجود سازوکار تنظیم مقررات بیمه‌های اجتماعی و مداخله‌گری به جای نظارت عالی و راهبردی.

۱۱- عدم انجام اصلاحات سیستماتیک، پارامتریک و مهندسی مجدد بیمه‌های بازنشستگی (متناسب‌سازی حداقل سن و سابقه لازم برای بازنشستگی با امید به زندگی، مستمری جمع، تمام شماری کل سنوات برای فرمول محاسبه مستمری و...).

۱۲- بروز همپوشانی، برخورداری من غیر حق، برخورداری مضاعف، سواری رایگان و ...

۱۳- اجباری نبودن پوشش بیمه اجتماعی پایه و کم‌رنگ شدن بیمه اجباری مزد و حقوق بگیران.

۱۴- کم‌رنگ شدن سه‌جانبه‌گرایی و استقلال مالی و اداری و شخصیت مستقل حقوقی سازمان‌ها و صندوق‌های بیمه‌گر اجتماعی.

۱۵- قدمت قوانین مربوط به بیمه‌های اجتماعی و اعمال تغییرات مکرر و متنوع به صورت موردی در قانون مزبور و عدم تطابق آن با شرایط امروز بازار کار و... (فضای کار مجازی، برون‌سپاری و کارسپاری و...).